



روایت رئیس مجلس شورای اسلامی
از قبل و پس از جنگ ۱۲ روزه

قایمباف:
آماده‌ایم

VATAN-EMROOZ | VOL.17 | NO.4420 | THU.SEP.25, 2025 | ISSN:2008-2886

۱۹۱ سال و ۲۴ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران



همین صفحه

پنجشنبه ۳۱ مهر ۱۴۰۴ | ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۸۴۴۲۰ | ۱۰ هزار تومان

تأملی بر مواضع اخیر رهبر انقلاب درباره مذاکره با غرب

ایران دست آمریکا
را خوانده است

تیتیر های امر وز



گروسی بدون اشاره به حسن نیت ایران در توافق
قاهره و بدعهدی طرف اروپایی نسبت به این توافق
باز هم اتهاماتی علیه تهران مطرح کرد

باید
مجازات شود

صفحه ۲

«وطن امروز» از دلایل مقاومت بازار مسکن
نسبت به تعدیل قیمت‌ها گزارش می‌دهد

دلالتن بر بام مسکن

صفحه ۳

فاز دوم شناسایی و طرد اتباع غیر مجاز
از تهران آغاز شد

میهمان ناخوانده
به سلامت!

صفحه ۴

اسپر
ضمیمه طنز
راه‌راه

پرووی
به سبک اروپایی

کالبدشکافی رژیم صهیونی
در گفتار رهبر انقلاب

پایگاه و ابزار استکبار

نگاه

ریمضا حسینی

برای دستیابی به درک عمیق و نظام‌مند از منطق حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کنش‌های راهبردی آن در منطقه غرب آسیا، متغیر کلیدی «تعریف بنیادین رژیم صهیونی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای» بسیار دارای اهمیت است. این دیدگاه که گاه در رسانه‌های غرب و جریان‌های اصلی به شعارهای سطحی مانند «نبودی اسرائیل» تقلیل می‌یابد، در واقع یک چارچوب نظری منسجم، چندلایه و عمیقاً تئوریزه‌شده است که ریشه در فلسفه سیاسی اسلامی، استعمارشناسی ایرانی و تحلیل هژمونیک قدرت جهانی دارد. این چارچوب نه‌تنها سیاست‌گذاری ایران را شکل می‌دهد، بلکه به عنوان یک پارادایم تحلیلی عمل می‌کند که مفاهیم کلیدی روابط بین‌الملل مانند مشروعیت دولتی، هژمونی امپریالیستی و پاتولوژی رفتاری رژیم‌ها را بازتعریف می‌کند. این یادداشت، به عبور از کلیشه‌های رسانه‌ای و تمرکز بر جنبه‌های نظری این دستگاه فکری را بر اساس ۳ محور بنیادین کالبدشکافی می‌کند: الف- ماهیت آنتولوژیک و وجودشناختی رژیم صهیونی در آرای رهبر انقلاب، ب- کارکرد ژئوپلیتیک و هژمونیک رژیم صهیونی در آرای رهبر انقلاب، پ- سرشت رفتاری و پاتولوژیک رژیم صهیونیستی در آرای رهبر انقلاب. این محورها نه‌تنها توصیفی، بلکه تحلیلی است و بر پایه نقد ساختاری استعمار نو و فرانو و مقاومت ضداستکباری بنا شده.

■ ماهیت آنتولوژیک رژیم صهیونی در آرای رهبر انقلاب

پایه نظری درک آیت‌الله خامنه‌ای از رژیم صهیونی، بر یک تمایز مفهومی دقیق و آگاهانه استوار است که ریشه در فلسفه سیاسی و حقوق بین‌الملل دارد: تمایز میان «دولت» (State) به عنوان نهادی مشروع با پایه‌های تاریخی، اجتماعی و ارگانیک و «رژیم» (Regime) به عنوان ساختار حکومتی موقت، تحمیلی و فاقد مشروعیت ذاتی. انتخاب مداوم ایشان برای به کارگیری عبارت «رژیم صهیونی» و اجتناب کامل از «دولت اسرائیل»، نه تصادفی، بلکه یک موضع‌گیری حقوقی و فلسفی است که بر نقد آنتولوژیک رژیم‌های استعماری تأکید دارد: از نظر رهبر انقلاب، رژیم صهیونی یک «دولت - ملت» طبیعی و برآمده از اراده تاریخی یک جامعه بومی نیست، بلکه یک «پروژه استعماری» مصنوعی است که در چارچوب نظریه‌های پساستعماری مانند آنچه در آثار ادوارد سعید یا فرانتز فانون دیده می‌شود، به عنوان یک «کاشت استعماری» در قلب جهان اسلام توصیف می‌شود.

ادامه در صفحه ۸

سخنرانی مهم رئیس‌جمهور در سازمان ملل
کیفرخواست پزشک‌یان علیه جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی

آمریکا به دیپلماسی خیانت کرد



صفحه ۲

تأملی بر مواضع اخیر رهبر انقلاب درباره مذاکره با غرب

ایران دست آمریکا را خوانده است

مردم ایران و ایستادگی آنها در کنار نیروهای مسلح برای مقابله با تهاجم دشمن متجاوز، اعتماد به سیاست‌های ایران و تأیید این سیاست‌ها بود. افکار عمومی ایران دید جمهوری اسلامی، با وجود رفتاری که ترامپ نسبت به برجام انجام داد، با حسن نیت وارد مذاکره میان طرفین، تناقض و تزلزل در مواضع طرف آمریکایی آشکار شد و نهایتاً همه دیدند در حالی که قرار بود ۲۵ خرداد دور ششم مذاکرات برگزار شود، با چراج سبز ترامپ، رژیم صهیونیستی به ایران حمله کرد. یعنی در واقع جامعه ایران به وضوح دید طرف آمریکایی چگونه به حسن نیت ایران پاسخ داد. اکنون نیز همین گزاره موجود است. ایران هر آنچه باید انجام می‌داد تا از فعال شدن مکانیسم ماشه جلوگیری کند، انجام داد. ایران حتی با وجود سیاسی کاری گروسی و حمله به تاسیسات خود، با اژانس وارد مذاکره شد و با توافق قاهره، به درخواست ترونیکی اروپا برای بازرسی از تاسیسات هسته‌ای و ارائه اطلاعات درباره ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد خود چراج سبز نشان داد ولی در مقابل حسن نیت ایران، طرف اروپایی مجدداً خلف وعده کرد و از قطعی بودن فعال‌سازی مکانیسم ماشه گفت، لذا همانند مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، افکار عمومی در قبال فعال‌سازی مکانیسم ماشه، شاهد حسن نیت جمهوری اسلامی و بدعهدی طرف مقابل بود. قطعاً این نکته در تقویت همبستگی و انسجام ملی در برابر دشمن موثر است. جنگ، ایران اقدامات موثری هم در حوزه آفندی و دشمن است. اکنون همه این شرایط و ظرفیت‌ها در ایران موجود است. ضمن اینکه پس از توقف جنگ، ایران اقدامات موثری هم در حوزه آفندی و هم پدافندی انجام داده است. بنابراین کاملاً پیداست گزینه نظامی منجر به آنچه ترامپ و نتانیاهو در پی آن هستند، نخواهد شد.

ادامه در صفحه ۶

ایران است. اما واقعیت جنگ ۱۲ روزه قابل کتمان نیست. هر چند آمریکا و رژیم صهیونیستی توانستند با یک غافلگیری ناجوانمردانه، تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی ایران را ترور کنند و تاسیسات هسته‌ای ایران را مورد هدف قرار دهند اما آیا هدف واقعی آنها از به راه انداختن این جنگ، همین بود؟ خیر! هم مقامات رژیم صهیونیستی و هم مقامات دولت آمریکا صراحتاً اعلام کردند هدف نخست آنها، تغییر نظام سیاسی ایران بود و البته هدف بعدی نیز، چندپاره کردن و تجزیه ایران، در سایه خلأ قدرت سیاسی، واقعیت جنگ ۱۲ روزه اما نشان داد این هدف‌گذاری آن هم از طریق حمله نظامی، یک توهم است، چرا که مبانی این سناریو در جنگ ۱۲ روزه مخدوش شد. اولاً ایران نشان داد از یک ساختار سیاسی مستحکم برخوردار است. ثانیاً قدرت آفندی ایران بسیار موثر است و سانسور حملات ایران به سرزمین اشغالی فلسطین، شهادی بر این واقعیت است. از همه مهم‌تر، جامعه ایرانی نیز با این موضوع همراهی و همکاری نمی‌کند. رهبر انقلاب شامگاه سه‌شنبه، اجمالاً سناریوی ترامپ و نتانیاهو در جنگ ۱۲ روزه را مورد اشاره قرار دادند. ترور فرماندهان نظامی و مقامات سیاسی موثر، آشوب و سپس براندازی نظام سیاسی ایران فرآیندی بود که آمریکا و رژیم صهیونیستی برای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه طراحی کرده بودند. البته رهبر انقلاب به این نکته مهم هم اشاره کردند که آمریکا و رژیم صهیونیستی برای پس از تغییر نظام سیاسی در ایران هم برنامه‌ریزی کرده بودند که قطعاً سناریوی آنها تجزیه ایران بود. نکته مهمی که رهبر انقلاب درباره شکست این پروژه آمریکایی - اسرائیلی مطرح کردند، نقش انسجام و همبستگی ملی بود که به تعبیر ایشان، عامل کلیدی در شکست پروژه دشمن بود. ایشان روی این مهم هم تأکید کردند که این همبستگی و انسجام اجتماعی اکنون نیز در کشور برقرار است و ایران امروز و فردا، همان ایران ۲۳ خرداد است. در اینجا باید به این نکته مهم اشاره کرد که قطعاً یکی از دلایل همبستگی

این قاعده توسط دولت ترامپ مشاهده نشده است. رفتار آمریکا و ۳ کشور اروپایی در ماجرای مکانیسم ماشه نیز نشان می‌دهد در سیاست‌گذاری غرب علیه ایران، موضوع تشدید تحریم‌ها مطرح است و نه لغو آنها. بنابراین اکنون در طرف مقابل، گزاره توافق جای خود را به تسلیم ایران داده است. پیداست از نظر دولت آمریکا، تعطیلی برنامه هسته‌ای ایران و حتی تحدید برد موشک‌های ایران، بخشی از مختصات تسلیم است و نه توافق. بنابراین برای یک بار هم که شده، باید نگرش‌ها نسبت به موضوع مذاکره با آمریکا، به‌روزرسانی شود. اما نکته دوم؛ حد یقف آمریکا کجاست؟ آیا صرفاً به تعطیلی برنامه هسته‌ای و تحدید برد موشک‌های ایرانی اکتفا می‌کند؟ حتی اگر به فرض محال، ایران برنامه هسته‌ای خود را تعطیل و برد موشک‌های خود را تا ۵۰۰ کیلومتر کاهش دهد، آیا آمریکا به همین بسنده می‌کند؟

قطعاً خیر! تسلیم یک فرآیند توقف‌ناپذیر و سیری‌ناپذیر است. بدون تردید آمریکایی‌ها سراغ دیگر موضوعات نیز خواهند رفت.

■ بن‌بست آمریکایی

دولت آمریکانه اکنون، بلکه بامداد جمعه ۲۳ خرداد عملاً میز مذاکره را بمباران کرد. رفتار آمریکایی‌ها پس از توقف جنگ نیز نشان می‌دهد از نظر آنها دیپلماسی و مذاکره یک موضوع تمام‌شده است. طرف آمریکایی فعلاً به گونه‌ای رفتار می‌کند که نشان دهد گزینه نظامی را یک راه‌حل موثر در مقابل ایران می‌داند اما واقعیت این است که گزینه نظامی مطلقاً راه‌حل نیست. دست‌کم جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نشان داد آنچه نتانیاهو به ترامپ قالب کرده، صرفاً موهوماتی است که پایه آن، منافع شخص نتانیاهو برای تضمین بقای او در قدرت است. افشای برخی واقعیت‌های جنگ ۱۲ روزه نیز نشان می‌دهد دستور کار اول تیم نتانیاهو، القای موجه و معتبر بودن گزینه نظامی نزد ترامپ است. به عبارتی نتانیاهو ترامپ را متقاعد کرده حمله نظامی به ایران، راه‌حل تحقق اهداف دولت آمریکا در قبال

راهکارها و سازوکارهای توافق در دسترس بود. بنابراین بدون شک اگر دولت آمریکا اراده‌ای برای توافق داشت، شاید اکنون این توافق حاصل هم شده بود. اما آنچه بامداد ۲۳ خرداد رقم خورد، به وضوح نشان داد ترامپ در واقع، تمایلی به حصول توافق و حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران از طریق مذاکره ندارد. رفتار دولت آمریکا پس از توقف جنگ نیز همین را نشان داد. آمریکایی‌ها پس از جنگ، حتی یک گام جلوتر آمدند و خواستار محدود شدن توان دفاع موشکی ایران شدند! حقیقتاً کدام انسان عاقل و سالمی است که این شواهد را ببیند و همچنان نسبت به مذاکره با آمریکا و حصول یک توافق مطلوب امیدوار باشد؟ ماجرا مشخص است. ترامپ به دنبال مذاکره و توافق نیست. او آنچه را می‌خواهد، چندین‌بار در صورت علنی مطرح کرده: تسلیم ایران! هم اصرار دولت آمریکا بر تعطیلی برنامه هسته‌ای و از بین رفتن ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد غنی‌شده و هم محدود شدن برد موشک‌های ایران، در راستای به تسلیم کشاندن تهران مطرح شده است. بنابراین در شرایط جنگی، این خواسته‌ها نه به معنای شروط حصول یک توافق، بلکه به معنای شرایط تسلیم ایران است. ۳ کشور اروپایی در ماجرای فعال‌سازی مکانیسم ماشه نیز نشان دادند در عمل از سیاست‌های آمریکا تبعیت می‌کنند. طی ۱۰ سال گذشته، اروپا نسبت به ایران دیگر چه باید می‌کرد تا ثابت شود انگاره استقلال اروپا از آمریکا یک توهم و تصور خیالی است؟ بنابراین سیاست طرف مقابل، به تسلیم کشاندن ایران است.

اما درباره گزاره تسلیم نیز چند نکته مهم وجود دارد. اول اینکه فرمت مساله هسته‌ای کاملاً دگرگون شده است. قبلاً چارچوب مساله هسته‌ای ایران اینگونه بود که در ازای پذیرش یکسری محدودیت‌ها در برنامه هسته‌ای (نظیر آنچه در برجام رخ داد)، طرف مقابل باید تحریم‌ها را لغو می‌کرد اما دولت ترامپ مطلقاً قائل به این قاعده نیست. چه قبل از جنگ ۱۲ روزه و چه پس از آن، هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر پذیرش

یادداشت
امیر عباس نوری

بیابید صادق باشیم؛ ایران برای اینکه با طرف آمریکایی و اروپایی به یک توافق مطلوب برسد، چکار باید می‌کرد؟ در مذاکرات غیرمستقیم با دولت آمریکا، ایران حسن نیت خود را نشان داد. برای فعال نشدن مکانیسم ماشه نیز ایران هر آنچه می‌توانست انجام داد. ایران حتی پیشنهادات روسیه و فرانسه را پذیرفت. مکرون قول داده بود در صورتی که ایران با اژانس درباره ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد خود توافق کند، فرانسه مانع فعال‌سازی مکانیسم ماشه نخواهد شد. ایران نیز پذیرفت و عراقچی و گروسی در قاهره این توافق را امضا کردند اما تنها چند روز پس از این توافق، مکرون در گفت‌وگو با کانال ۱۲ رژیم صهیونیستی گفت مکانیسم ماشه قطعاً فعال خواهد شد.

خب! ایران برای توافق هسته‌ای با دولت آمریکا و توافق با ایران ۳ کشور اروپایی برای جلوگیری از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، هر آنچه را لازم بود، انجام داد اما همه شاهد بودند آمریکا در جریان «مذاکرات غیرمستقیم با ایران» و اروپا در قبال «توافق با اژانس در قاهره و ماجرای مکانیسم ماشه»، مطلقاً حاضر به توافق با ایران نیستند. در واقع ایران هر آنچه را برای توافق با آمریکا و اروپا لازم بود، انجام داد و در طرف مقابل، آمریکا و اروپا هر آنچه را برای عدم توافق با ایران لازم بود، انجام دادند. بنابراین کسی نمی‌تواند در این واقعیت تردید وارد کند که نه آمریکا و نه اروپا، در شرایط فعلی تمایلی برای توافق با ایران ندارند. آمریکا اگر به دنبال حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران از طریق مذاکره بود، در میانه مذاکرات عراقچی و ویتکاف، دستور حمله به ایران نمی‌داد. آنچه عراقچی و ویتکاف در ۵ دور مذاکره پیرامون آن صحبت کرده و به جمع‌بندی رسیدند، یک مسیر هموار برای توافق ایجاد کرده بود. هم چارچوب مذاکرات مشخص شده بود و هم